

بازرسی شد
۳۶ - ۳۲

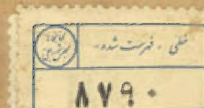


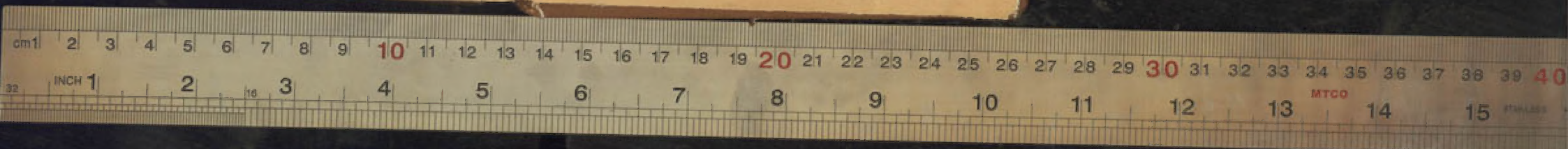
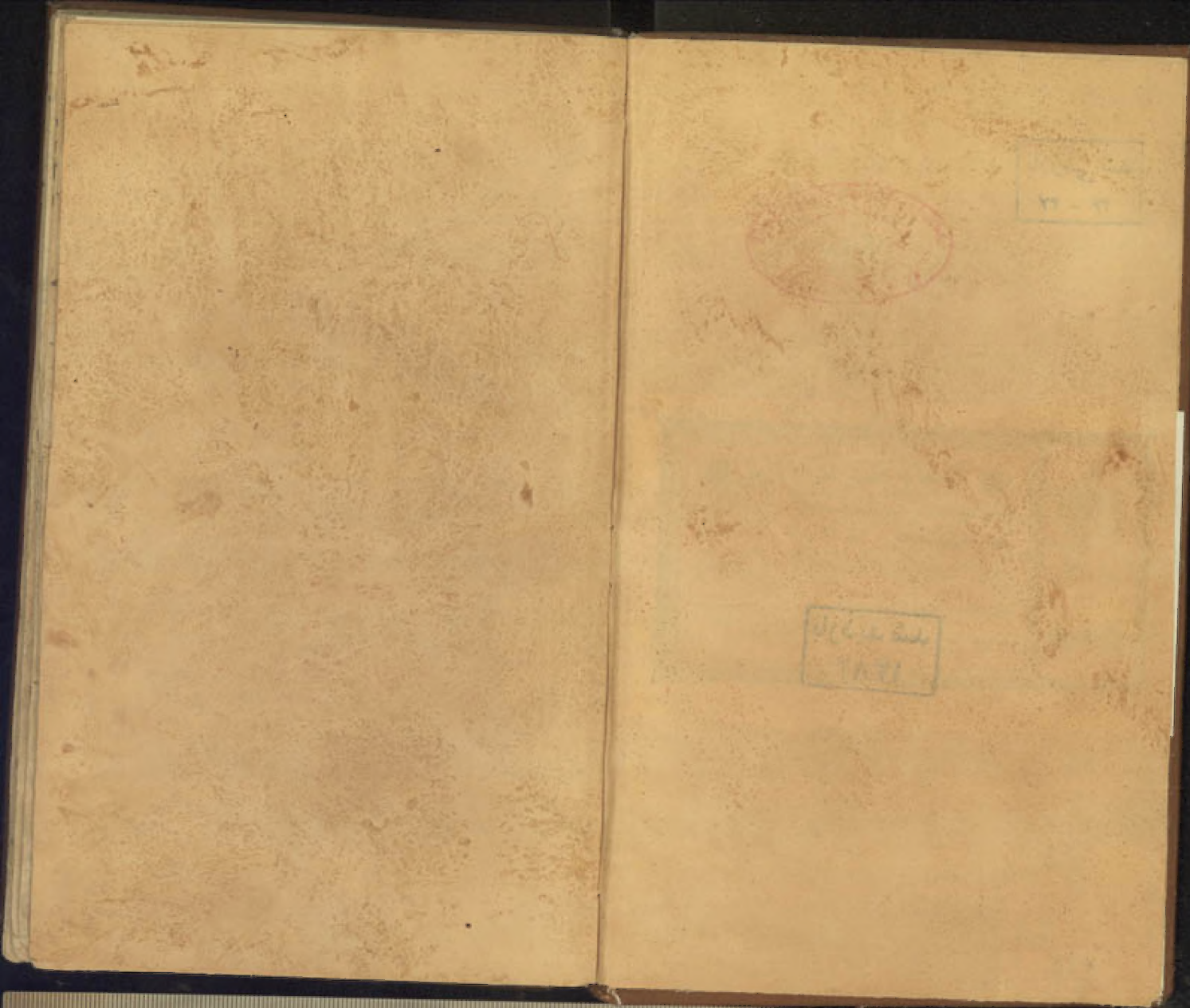
۳۴

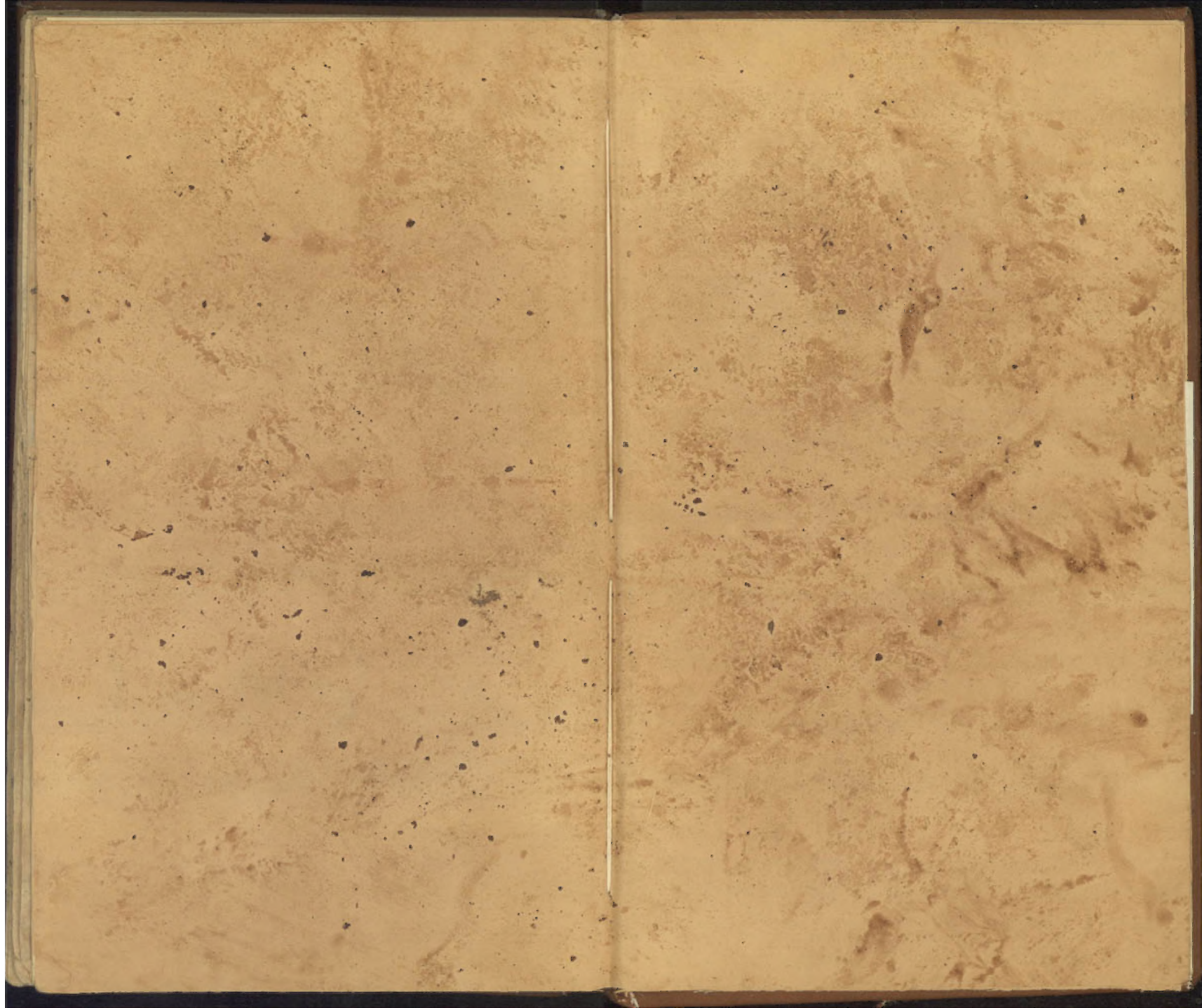
بازدید شد
۱۳۸۲

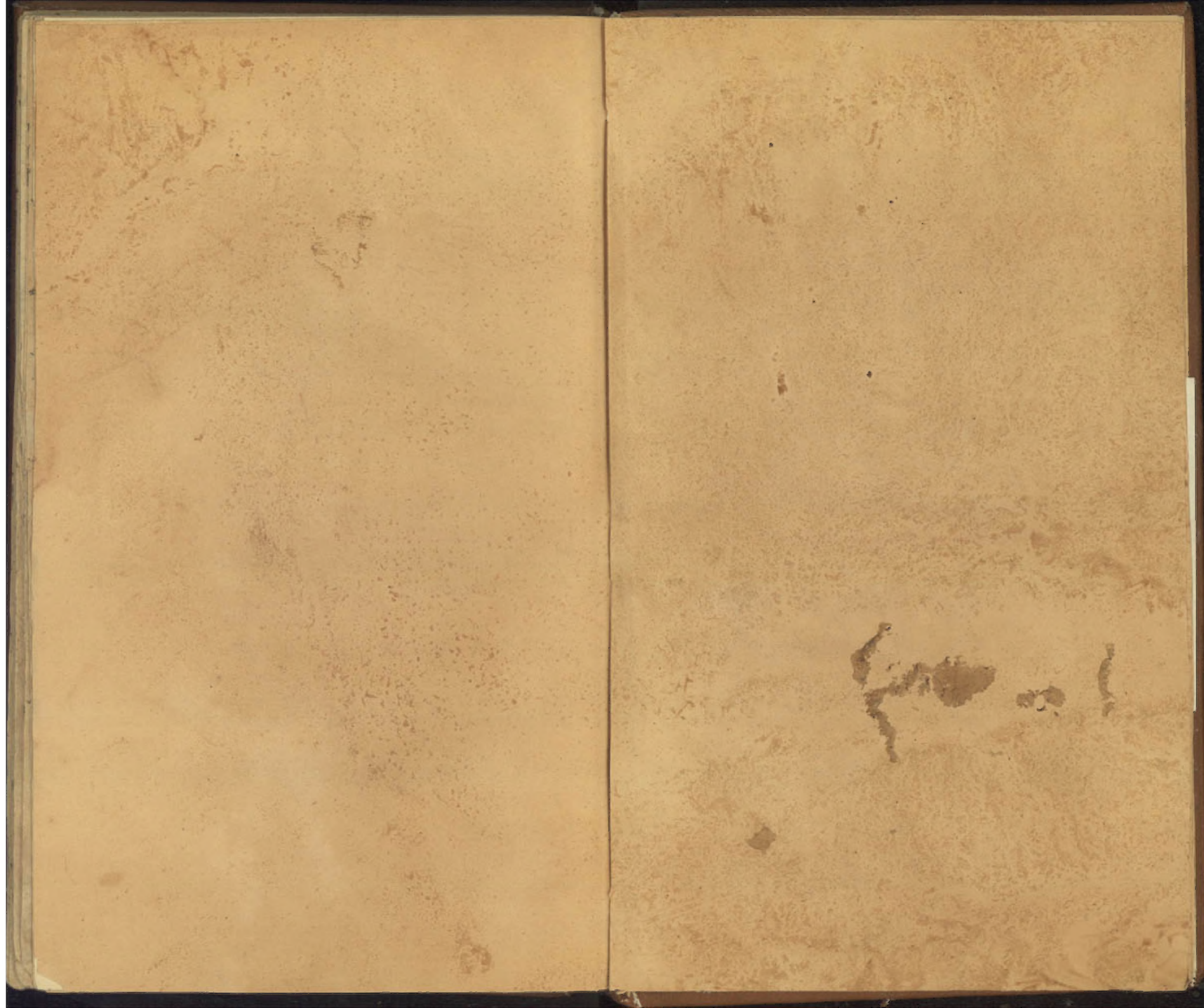
ش ۸۲۰۶

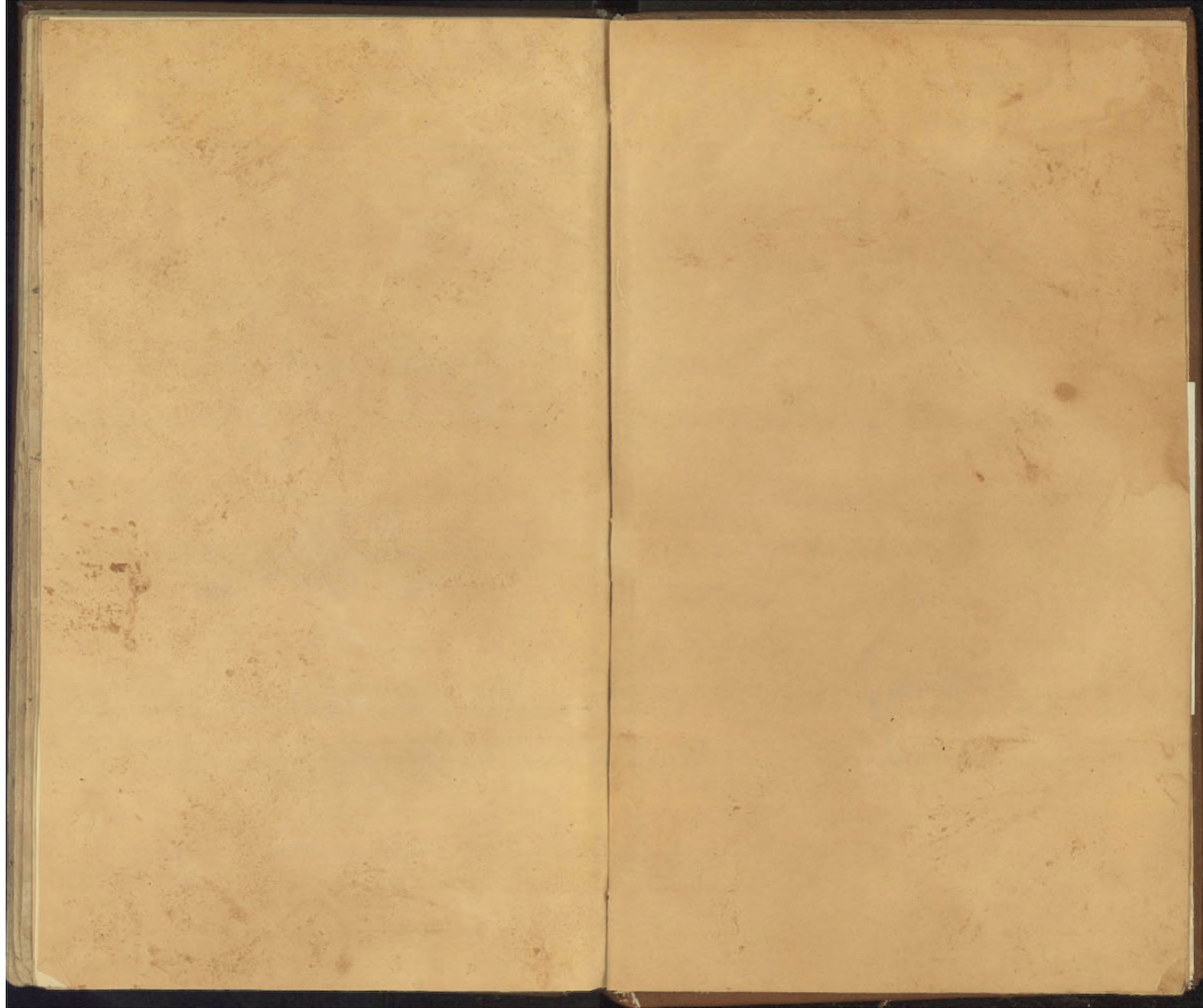
کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: <u>کتابخانه (دوره هفتم)</u>	
مؤلف	شماره ثبت کتاب
۸۷۹۰	۷۸۵۲۳
موضوع	شماره قفسه
	۱۱۱۵۱

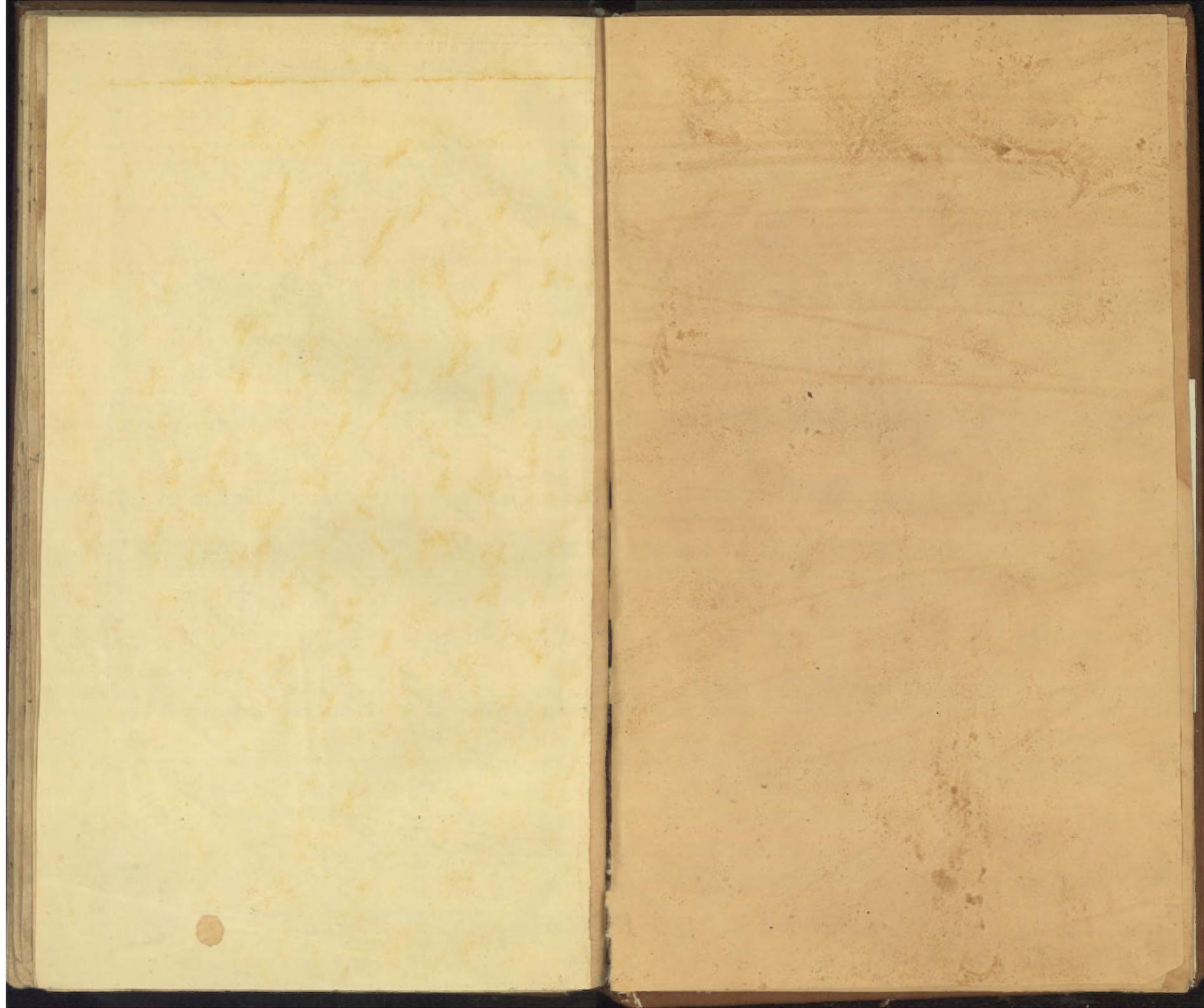












[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

طوفان کیم بکمال نیست
 در صفت سید برین کمال نیست
 نامشنان بکار خود کمال نیست
 یکی بود چو غنیمت این کمال نیست
 من است خود در دایه ای شوم
 که بجز خود که نام در صفت نیست
 غنی نیست این شکر نیست
 شری را از صواب این کمال نیست
 غنی بر خداست از این نیست
 اما درین صواب خودی نیست
 یعنی خود بسیار نیست
 باز که در کمال نیست
 و راستی از استال نیست
 ای اولای ای از نیست
 غنوت که گاهی کمال نیست
 و اما در این نیست

[illegible][illegible]

در وقت که با کوهی صبی
 کجاست پیدای دین ندیدنی
 جهان نشسته بودند کانی
 که رنگش بودی که در دود جوانی
 ز آفتاب چنان تو فیض می پاشی
 غلغله است از دریا جویست
 ز آستان که ای چرخ بر خیزم
 که سجده تا که نشسته زانوئی
 بسوی چو بی خستیدای
 اگر شکست ز دست خدیو جیست
 پادشاه از کار افتد بهیچ
 که غرور کنی حق سپیدی
 بشکست خورشید بر جانب بیا
 کشیده بود آن بیکدک در دانی
 که شمرست سرشته که دانی
 علاج و دواست نهی نهی
 و دست لطف نهی نهی نهی
 در کوهس که ای حال چو شکست
 دفع نشسته است نهی نهی نهی
 عرق در وقت تو جان بدین
 اگر نهی نهی نهی نهی نهی

در وقت که با کوهی صبی
 کجاست پیدای دین ندیدنی
 جهان نشسته بودند کانی
 که رنگش بودی که در دود جوانی
 ز آفتاب چنان تو فیض می پاشی
 غلغله است از دریا جویست
 ز آستان که ای چرخ بر خیزم
 که سجده تا که نشسته زانوئی
 بسوی چو بی خستیدای
 اگر شکست ز دست خدیو جیست
 پادشاه از کار افتد بهیچ
 که غرور کنی حق سپیدی
 بشکست خورشید بر جانب بیا
 کشیده بود آن بیکدک در دانی
 که شمرست سرشته که دانی
 علاج و دواست نهی نهی
 و دست لطف نهی نهی نهی
 در کوهس که ای حال چو شکست
 دفع نشسته است نهی نهی نهی
 عرق در وقت تو جان بدین
 اگر نهی نهی نهی نهی نهی

[illegible]

کز خشم در دست صید می عجب
 بسبیل از تفرقه بندایب
 این یک کمره و بازو خالص عالم
 حکایت کرد و نوحی سرخس عالم
 درین بیان از دست افتد
 بران الم چنان نو خال
 که تمام زردی یک
 آبدی از عیش و در دست
 بوی وصل از دم بدستی شود
 درینم احوال نشستن بایم
 اسیر عشق نید ازین نماند
 سپید شدن معنی از آن جاوید
 چون کربس کربس از عیش عالم
 که جلد او در میان دست کمال
 انبال تحت تیرام چنان در عالم
 که درازا گسی که از کف نشاند
 بکز یک کمره و بازو خالص عالم
 خنجر کیم کیم که بعد از عیش عالم
 خورشید سوزان کند دریا
 ازین کیم کیم که بعد از عیش عالم
 خط نیا کند آتش عالم
 برکشش کیم که از عیش عالم
 کز این نماند چه سست خیم عالم
 تغییر او عالم عالم
 امین خط نماند در عالم
 که دردی کیم که از عیش عالم

[illegible][illegible]

[illegible]

از صفتش که کتب شد
که ششم از صفاتش شد
بسم از صفاتش شد
از صفاتش که کتب شد
فصل در وصف چو جواب
که در هر حال است که کند
فصل در وصف چو جواب
که در هر حال است که کند
فصل در وصف چو جواب
که در هر حال است که کند

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible][illegible]

۱۵۹



Handwritten text in Persian script, likely a letter or document, pasted onto the page. The text is arranged in several lines and is somewhat faded.

Handwritten text in Arabic script, possibly a signature or a small note, located in the center-right of the right page.

